

انگاره‌سازی ناکام از ایران

نقلای غرب، تصویرسازی جعلی از جمهوری اسلامی در حوزه‌های هسته‌ای، دفاعی و حقوق بشر است

گزارش تحلیلی

گروه سیاسی

یکی از رویکردهای جاری در سیاست خارجی کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده بویژه در سال‌های اخیر را می‌توان در انگاره‌سازی پیرامون جمهوری اسلامی در حوزه‌های متعدد موضوعات اختلافی جست‌وجو کرد؛ جایی که ظرفیت‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک غرب درصدد است با بازنمایی در شکل دادن به افکار جهانی نسبت به ایران اثرگذاری داشته باشد و ذهنیت جامعه جهانی را بر اساس تصویر یا انگاره‌ای که خود می‌سازد، تحت تأثیر قرار دهد. این تصویرسازی‌های منفی عمدتاً با بهره‌گیری از اهرم رسانه‌ها و محافل اندیشکده‌ای حاصل می‌شود و آنها به برساخته شدن تصویری از جمهوری اسلامی در قالب سناریوی «ایران هراسی» کمک می‌کنند تا افکار عمومی جهان را نسبت به کشورمان مشکوک، مظنون و بدبین سازند.

بر مبنای این رویکرد، غرب و در رأس آنها ایالات متحده می‌کوشد تصویر و کارکرد جمهوری اسلامی در حوزه‌های نظامی، هسته‌ای و حقوق بشر را مخدوش کرده و آن را به عنوان خطر و تهدیدی برای جامعه بین‌الملل معرفی نماید. در پیگیری این رویکرد، نیروهای نظامی کشور به عنوان گروه‌های جنگ طلب به تصویر کشیده می‌شوند و هم‌رده گروه‌های تروریستی تلقی می‌گردند، فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشور تحت عناوینی مانند تسلیحات هسته‌ای معرفی می‌گردند و در عرصه حقوق بشر نیز عمدتاً تحركات جنبش‌های مدنی وابسته به غرب، به عنوان حرکات «آزادخواهانه» بازنمایی می‌شوند.

معکوس شدن معادله قدرت به نفع ایران

یکی از وجوه مهم در تصویرپردازی غیرواقعی غرب از جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به مدد ارائه وجهه‌های مخدوش از نقش آفرینی نیروی نظامی کشور و بویژه سپاه قدس به عنوان شاخه برون مرزی جمهوری اسلامی صورت گرفته است. در جست‌وجوی دلایل این رویکرد باید به نقش نیروهای سپاه در ورای مرزهای سرزمینی، ارتباط آن با گروه‌های مهم مقاومت منطقه و مدیریت مبارزات ضد تروریستی در خاورمیانه اشاره کرد که زمینه را برای نفوذ و نقش آفرینی سازنده نیروی نظامی کشورمان برای کاستن از بحران‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. امری که درکنار پیشرفت روزافزون فناوری موشکی در قالب دکترین دفاعی جمهوری اسلامی، یک بازدارندگی تمام عیار را در برابر حضور و نفوذ تاریخی ایالات متحده و شرکای اروپایی اش در منطقه رقم زده و معادله قدرت را به نفع ایران تغییر داده است.

معکوس شدن معادله قدرت به نفع ایران را می‌توان دلیل مهمی برای تلاش آمریکا در بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای خود جهت نشان دادن نیروهای نظامی ایران به عنوان یک مؤلفه بحران‌ساز و هم‌تراز با گروه‌های تروریستی در منطقه ارزیابی کرد. تحریم‌های گسترده علیه نیروهای نظامی بویژه سپاه پاسداران و مانور دیپلماتیک و رسانه‌ای در محافل بین‌المللی اروپا که می‌کوشند کشورهای

اتحادیه اروپا را همچون آمریکا برای قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی ترغیب کنند، در این چارچوب قابل تفسیر است.

حقوق بشر با یک نگاه قدرت‌محور

یکی از الگوهای رفتاری مقابله‌گرایانه ایالات متحده و شرکای اروپایی اش علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه اجتماعی و حقوق بشر شکل گرفته است؛ جایی که آمریکا ترجیح داده از ابزار حقوق بشر به عنوان اهرم فشاری در مقابل ایران با هدف تعقیب اهداف سیاسی خود بهره‌برد. به این ترتیب آمریکا حقوق بشر و شاخص‌های آن را پیرامون جمهوری اسلامی در یک نگاه قدرت‌محور با استناد به گزاره‌های ساختگی و دور از واقعیت مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. چه آنکه نقض یا اتهام حقوق بشر برای تهییج افکار عمومی با هدف جلب حمایت از ضدیت با ایران و حتی کاربرد زور علیه آن مؤثرتر از هر عامل دیگری به شمار می‌آید. آمریکا با بهره‌گیری از موضوع حقوق بشر سعی کرده رویکرد جمهوری اسلامی را در مواجهه با اقدامات آشوبگرانه ضد انسانی و مخالف حقوق بشر دفاع می‌کند تا هرگونه مداخله و اقدامات براندازانه را موجه جلوه دهد. درگذشت مهسا امینی، زن ایرانی یکی از اتفاقات اخیر بود که فرصت را برای بازیگران غربی مهیا کرد تا اتفاقات داخلی پس از آن و نوع مواجهه حاکمیت جمهوری اسلامی با جریان‌هایی را که می‌کوشیدند از قبال این اتفاق اهداف براندازانه و تجزیه‌طلبانه خود را پیش ببرند، بهانه ایجاد فشار بر ایران و معرفی آن به عنوان یک دولت ضد ارزش‌های انسانی قرار دهند.

مثال نقض

اینچنین بود که در پی بروز ناآرامی‌های اخیر در کشورمان، آمریکا موتور محرکه حمایت از جریان‌های برانداز را روشن کرد و تحت لوای شعارهای واهی حقوق بشری، انگشت اتهام نقض ارزش‌های انسانی را متوجه نظام جمهوری اسلامی که درصدد فرو کاستن از تنش‌های موجود ناشی از اقدامات براندازانه بود، نشانه رفت. این دفاع نمایشی از حقوق بشر در شرایطی صورت گرفته که در سال‌ها و ماه‌های اخیر تصمیمات وزارت خزانه‌داری آمریکا و تصمیمات مجلس سنا و عملکرد کمپانی‌های چند ملیتی این کشور پیامدهای منفی گسترده‌ای بر بهره‌مندی حقوق بشر بسیاری شهروندان ایرانی در نتیجه تحریم‌های گسترده هسته‌ای داشته است. نمونه روشن در تبیین رویکرد متناقض مقام‌های آمریکایی در بهره‌برداری از شعارهای حقوق بشری باید ماجرای قتل «جمال خاشقچی» را یادآوری کرد. روزنامه‌نگار سعودی‌ای که به دستور مستقیم رهبران سعودی در سفارت عربستان در ترکیه به قتل رسید. «جو بایدن»، رئیس جمهور آمریکا که در دوره رقابت‌های انتخاباتی مدعی شده بود پس از حضور در کاخ سفید به تلافی این اتفاق، ریاض را با تحریم و کاهش قابل اعتنا سطح روابط مجازات می‌کند، وقتی در مدت کوتاهی پس از آغاز مسئولیتش با بحران انرژی روبه‌رو شد، با سفر شتابزده به عربستان نشان داد که شعارهای توخالی مبنی بر دفاع از حقوق بشر تا چه اندازه تحت تأثیر منافع و خواسته‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا

قرار گرفته است.

رفتار عوامفریبانه دولت آمریکا در ماه‌های اخیر در مواجهه با اغتشاشات هدایت شده در جمهوری اسلامی نیز تابعی از منافع سیاسی این کشور ارزیابی می‌شود. از این رو سعی بر نشان دادن ایران به عنوان کشور ناقض حقوق بشر تابعی از فضای سیاسی حاکم بر مناسبات سیاسی بوده است و نه توجه به ارزش‌های والای انسانی. ابزاری که بیش از چندین دهه به عنوان پرکاربردترین اقدام علیه بسیاری از کشورهای مستقل به کار گرفته شده است. چه آنکه درباره عزم جمهوری اسلامی مبتنی بر ارتقای حقوق بشر زیر سایه اصول اسلامی و قانون اساسی تردیدی وجود ندارد. شاید بتوان تلاش غرب برای تصویرسازی ضد حقوق بشری از کشورمان را در این سخن وزیر خارجه کشورمان خلاصه کرد که «هیچ یک از آنها جایگاه و صلاحیت اخلاقی برای صحبت در مورد حقوق بشر در ایران را ندارند. این یک ریاکاری محض است که از حقوق بشر ایرانیان دفاع کنیم و در عین حال همین مردم را از حقوق اولیه بهداشت، تحصیل و زندگی محروم نماییم.»



رفتار عوامفریبانه

دولت آمریکا در

ماه‌های اخیر

در مواجهه با

اغتشاشات هدایت

شده در جمهوری

اسلامی نیز تابعی

از منافع سیاسی

این کشور ارزیابی

می‌شود. از این رو

سعی بر نشان دادن

ایران به عنوان

کشور ناقض حقوق

بشر تابعی از فضای

سیاسی حاکم بر

مناسبات سیاسی

بوده است و نه توجه

به ارزش‌های والای

انسانی. ابزاری که

بیش از چندین

دهه به عنوان

پرکاربردترین اقدام

علیه بسیاری از

کشورهای مستقل

به کار گرفته شده

است. چه آنکه

درباره عزم جمهوری

اسلامی مبتنی بر

ارتقای حقوق بشر

زیر سایه اصول

اسلامی و قانون

اساسی تردیدی

وجود ندارد

مأموریت مقصرنمایی به اتاق‌های عملیات
شکست در الگوی وارونه‌نمایی وجهه جمهوری اسلامی در عرصه نظامی و حقوق بشر، غرب را به تکاپو انداخت تا این بار مسئولیت توقف روند دیپلماسی برای مذاکرات احیای توافق هسته‌ای را متوجه ایران کند و در عین حال با معرفی آن به عنوان شریکی برای جنگ اوکراین، کشورمان را بازیگری برخاسته علیه الگوی مذاکره معرفی نماید. رویکردی که خلاف روند درپیش گرفته شده از سوی جمهوری اسلامی در ادوار مذاکرات اخیر وین با هدف احیای توافق هسته‌ای به شمار می‌آید. چه آنکه این واشنگتن بود که پس از ارائه آخرین ایده‌های پیشنهادی ایران که مورد اجماع دیگر طرف‌های مذاکره قرار داشت، از تصمیم‌گیری برای این مهم سر‌باز زد و به جای آن مأموریت مقصرنمایی ایران در توقف مذاکرات را به اتاق فکر و محافل و اندیشکده‌های غرب واگذار کرد. اقدامی که این پیام ضمنی را به اذهان متبادر می‌کند که غرب ذیل اهداف سیاسی خود در مسیر مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و می‌کوشد ایران را منزوی، جنگ طلب و مخالف با دیپلماسی معرفی کند.

مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی

حال آنکه رویکرد غرب در روند ضدیت با ایران در حالی جریان دارد که تثبیت جمهوری اسلامی و افزودن شدن بر مؤلفه‌های قدرت آن و شکست سناریوهای سخت و نرم براندازی نظام اسلامی، استراتژیست‌ها و سیاستمداران غرب را بیش از پیش نسبت به تداوم رویکرد اعتبارزدایی و مخدوش کردن وجهه جمهوری اسلامی واداشته است. طبیعی است فارغ از رویکرد مقاومت فعال کشورمان در برابر تحریم‌ها که به شکست سیاست فشار انجامیده، در پیش گرفتن یک دیپلماسی عمومی همه‌جانبه و سیاستگذاری رسانه‌ای هدفمند برای اثرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان فکری و اجرایی کشورهای دیگر از سوی جمهوری اسلامی است که می‌تواند در نهایت به ناکام گذاشتن بازیگران غربی صحنه بین‌الملل در پیگیری سناریوی «ایران هراسی» بینجامد.